

## هر دولتی که بخواهد بردیافتی خاص از خیر انسان متکی باشد، جز از طریق نقض آزادی بشر به این هدف دست پیدا نمی‌کند.

سرشت بشر خنثی و لااقتضا باشد در نهایت به نحوی به خوانشی خاص از سرشت بشر و خیر انسانی وابسته می‌شود. همین مسئله منجر به بازیابی استدلال واقع‌گرا بودن عدالت به مثابه انصاف و جایگزینی برهان مساوت کانتی با اجماع همپوشان در کتاب لیبرالیسم سیاسی می‌شود.<sup>۱۶</sup> تلقی رالز در این تجدید نظر نسبت به نظریه اولیه خوبش آن است که در جامعه همواره اختلاف نظرهای معقول و غیرقابل حذفی وجود دارد که اجماع همگان بر سر دریافتی خاص راز سرشت و خیر بشر را غیرممکن می‌سازد. بنابراین هر دولتی که بخواهد بر دریافتی خاص از خیر انسان متکی باشد، جز از طریق نقض آزادی بشر به این هدف دست پیدا نمی‌کند.<sup>۱۷</sup> اما این نگرش به زندگی سیاسی

و توجیه حاکمیت سیاسی، به‌رغم سازگاری با سنت قانون اساسی لیبرال، چالش‌های خاص خود را نیز دارد. برای مثال این پرسش جدی وجود دارد که آیا می‌توان تصمیمات بنیادی سیاسی را بدون اتکا به دریافتی خاص از کمال انسان و دیگر آموزه‌های متافیزیکی با تکیه بر ایدئال اجماع همپوشان اتخاذ کرد؟ چگونه می‌توان پیرامون بسیاری از مناقشات امروز اجتماعی همچون به رسمیت‌شناسی ارتباط با هم‌جنس، سقط جنین و ... بدون اتکا بر یک چهارچوب نظری خاص و صرفاً بر مبنای اجماع هم‌پوشان به پاسخی موجه و معقول دست یافت؟ به‌طور خاص در مسئله سقط جنین اگر آموزه دینی مبنی بر ذی‌روح بودن جنین و در نتیجه حق

بهره‌مندی آن از حیات درست باشد، آیا اعراض از این آموزه و به رسمیت‌شناختن سقط جنین را می‌توان امری معقول و موجه دانست؟ بنابراین کنار نهادن دریافتی خاص از سرشت بشر در ساحت زندگی جمعی را نمی‌توان به سادگی امری موجه و معقول دانست. ایراد دیگر به این نگرش تحت عنوان مسئله عدم تقارن مطرح شده است. مطابق این مسئله، اگر بخواهیم کثرت‌گرایی معقول را مبنای کنار نهادن دریافتی خاص از خیر انسان از ساحت زندگی سیاسی جمعی بدانیم، به مشکلی مشابه درباره عدالت اجتماعی نیز گرفتار می‌شویم، زیرا درباره عدالت اجتماعی و مداخله دولت در زمینه نابرابری نیز اختلافات بسیار وسیع و غیرقابل حلی

### راهپیمایی جنبش حقوق مدنی

Photograph: AP, August 28, 1963.  
شرکت کنندگان در راهپیمایی واشنگتن در ۲۸ اوت ۱۹۶۳ در نزدیکی یادبود لینگن جمع شده‌اند.

